

خطای محاسباتی چگونه رخ می‌دهد؟



کیومرث اشتریان

خطای محاسباتی بیشتر از روان آدمی برمی‌خیزد تا از مغز او. این خطا می‌تواند از هراس (ترس بسیار) یا از تهور (بی‌باکی بسیار) باشد. به قول ملا احمد نراقی دو صفت خبیثه است؛ یکی «تهور» و دیگر «جبن». این را که نقطه تعادل در تصمیم‌گیری جنگی کجاست و چگونه دچار بیش‌برآورد یا کم‌برآورد از خطر شده‌ایم، معمولا (و متأسفانه) پس از واقعه می‌توان ستجد. هراس از جنگ، خطای محاسباتی را بیشتر می‌کند. پس از توافق، آمریکا کشتی‌ها را وادار کرد از بخش پایینی تنگه هرمز گذر کنند. می‌توان تصور کرد که آمریکا با این اقدام، ترس ایران را از آغاز دوباره جنگ محک زد تا با استفاده از خطای محاسباتی ناشی از ترس، تنگه هرمز را برای همیشه از سلطه ایران خارج کند. به همین‌سان، آمریکا در پی آن است که با تخریب تدریجی زیرساخت‌ها در جنوب، هراس تدریجی را قطره‌قطره به کام تصمیم‌گیران ایرانی تزریق کند تا نیازی به عملیات بزرگ نداشته باشد و آنها را زودتر تسلیم کند. در واقع آمریکا هم خود از عملیات بزرگ هراس دارد؛ چون نمی‌تواند پیامدهای آن را برآورد کند. هراس سبب می‌شود در ضرباتی که به دشمن می‌زند یا در اندازه قدرت خود دچار کم‌برآوردی شوید. ادبیات علمی بیش‌برآوردی ناشی از هراس را با عنوان تنفر و گریز از ضرر (risk aversion/ loss aversion) مفهوم‌سازی کرده است؛ یعنی در زمان تصمیم‌گیری بیش از آنکه به سود و منفعت بیندیشید، به گریز از ضرر می‌اندیشید یا اینکه به رویدادهای با احتمال کم، وزن بیش از حد می‌دهید. تفاوت «منفعت‌طلبی» با «گریز از ضرر» آنچنان است که کشف و مستندسازی علمی آن سبب شده تا «کانمن» و «تورسکی» جایزه نوبل بگیرند.

البته مشکل آن است که ترس و تهور مفاهیمی کش‌دارند و نمی‌توان تعریف دقیقی از آنها ارائه داد. ما آدمیان معمولا گرایش‌های روانی خود را در زوروقی از محاسبات تحلیلی می‌پوشانیم. هنگام ترس، شما دشمن را بیش از آنچه هست و خود را کمتر از آنچه هستید برآورد می‌کنید. گاهی برعکس است؛ بی‌باک و متهورید و خود را بزرگ دانسته و دشمن را دست‌کم می‌گیرید. این سخن به آن معناست که در تصمیم‌گیری جنگی عوامل روانی (یعنی روحیه بی‌باکی یا روحیه هراس) بیش از محاسبات فنی و تجهیزاتی بر تصمیم شما تأثیرگذار است. جنگ روانی ترامپ نیز از همین زاویه است و با دام‌ن‌زدن به هراس تخریب تمدن ایرانی می‌خواهد شما را به تسلیم وادارد تا هزینه‌های جنگی خود را کاهش دهد. ترس، تسلیم بی‌هزینه برای مهاجمان است. نسبیت مفهومی «ترس» و «بی‌باکی» پیداکردن نقطه تعادل را دشوار می‌کند. بشر برای حل این معضل و پیداکردن نقطه تعادل و کشف عقل میانه به نهادسازی و سازمان‌دهی و شوراباری روی آورده است. مثلا شو‌رهای امنیت ملی یا مجلس بزرگان یا شوراهای نظامی-اقتصادی را پدید آورده تا کشف نقطه تعادل را به‌خرد جمعی بسپارند و حکومت را چو‌نان قامت «یک» جوانمرد صاحب خرد متحد کنند. این روزها که تصمیم‌گیری در جنگ یا توافق عادلان را بیشتر می‌کند، بشر برای حل این موضوع اصلی سیاست در ایران است، آیا می‌توان صندفنی‌ها را به ترسوها، بی‌باکان و معتدلهای تقسیم کرد؟ نه ضرورتا اما آنچه برای ما مهم است، خودآگاهی به این است که هر یک از ما به بازی‌های روانی خود آگاه باشیم و روان خود را معیار حقیقت نپنداریم و آنکه که در تصمیم‌گیری‌های جنگی قضاوت می‌کنیم، خود را به مهلکه روحی-روانی که در درون آن هستیم، هوشیار سازیم. گاهی عنوان دکتر، استاد و پژوهشگر را آنچنان در کنار اسم خود پررنگ می‌کنیم که گویی ندای حقیقت بی‌گوشیم؛ من به‌عنوان استاد علوم سیاسی، من به‌عنوان اقتصادخوانده، من به‌عنوان استراتژیست، من به‌عنوان پژوهشگر باسابقه می‌گوئیم که فلان کار یا فلان نظر، علمی نیست؛ غافل از اینکه اساسا هیچ‌گونه قطعیت علمی در این امور وجود ندارد. بیش از عناوین پرطمطراق و بیش از دانسته‌های «علمی»، یا اسیر روان هراسان خویش‌تن هستیم یا گرفتار کبر دماغ پلنگی خود. شماری هم رقابت‌های جناحی دیدگان آنها را پوشانده و نسبت به مخاطرات جنگ و مشق‌ت‌های مردمان نابینا شده‌اند و میزان خطر را به‌کلی نادیده می‌گیرند. این وضعیت روی دیگری هم دارد و آن اینکه ابزاری می‌شود برای آدم‌ن‌زدن به اختلاف و بی‌اعتمادی به نهادهای تصمیم‌گیر. آنگاه که تنش میان ترسوها و بی‌باکان افزون شود و بی‌اعتمادی در نظام تصمیم‌گیری افزایش یابد، تفرقه در کشور دامن می‌گسترند.

صفحه ۴

ادامه در صفحه ۴

یکشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۵
۴ صفر ۱۴۴۸
۱۹ جولای ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۳۰
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

یکشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۵
۴ صفر ۱۴۴۸
۱۹ جولای ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۳۰
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴



این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: سپندنگار شوق

بازخوانی تجربه دفاع مقدس و نسبت آن با معادلات جنگ‌های اخیر در گفت‌وگو با محمد درودیان

پیروزی بدون جنگ مهم‌تر از پیروزی در جنگ است

یادداشت

چگونه اژدهای خفته می‌میرد؟

ضرورت تعیین جایگاه ایران در منازعه راهبردی چین و آمریکا

م‌والا

استقلال راهبردی خود، با تمامی قدرت‌های جهانی بر اساس منافع ملی تعامل کند و از تبدیل‌شدن به میدان رقابت قدرت‌های بزرگ جلوگیری شود. با این حال، سیاست بین‌الملل عرصه احتمالات است، نه قطعیت‌ها. هیچ بحران منطقه‌ای را نمی‌توان مستقل از تحولات جهانی تحلیل کرد و هیچ تصمیم راهبردی، تنها بر پایه روابط دوجانبه شکل نمی‌گیرد. به همین دلیل، این مقاله به بررسی یکی از سناریوهای ممکن، اما کمتر مورد توجه قرارگرفته می‌پردازد. فرض ما آن است که ایران، به هر دلیل، استقلال راهبردی خود را از دست بدهد؛ خواه در اثر شکست نظامی، تضعیف شدید، فروپاشی ساختار قدرت، یا کاهش توان اثرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی. پرسش اصلی این مقاله آن نیست که چنین سناریویی محتمل است یا خیر؛ بلکه این است که اگر چنین اتفاقی رخ دهد، پیامد آن برای رقابت راهبردی میان آمریکا و چین چه خواهد بود و جایگاه ایران در این معادله تا چه اندازه تعیین‌کننده است.

بخش اول: سناریوی مفروض

برای پاسخ به این پرسش، لازم است چارچوب مشخصی برای تحلیل تعریف شود. بنابراین، آنچه در ادامه می‌آید نه پیش‌بینی آینده، بلکه یک سناریوی فرضی است که براساس آن پیامدهای ژئوپلیتیکی بررسی خواهد

یادداشت

اقتصاد ملی و به‌توپ بستن دیپلماسی



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

پزشکیان:

اژه‌ای و قالیباف با تمام توان، همراه ما در مسیر احقاق حقوق ایران هستند

۲

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

در صفحه ۳ بخوانید

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از خداحافظی با دختر ۱۶ ساله لرستانی که قربانی اخاذی تلگرامی و فشارهای اجتماعی شد